

ماهیت فضا و زمان در آثار چند رسانه‌ای کتی پاترسون*

راضیه مختاری دهکردی^{۱*}، احمد ناعلیان^۲، محسن مراثی^۳

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

^۳ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۱۲)



چکیده

کتی پاترسون به عنوان یکی از هنرمندان چند رسانه‌ای، با به کارگیری چندین رسانه گوناگون هنری، غالباً فضا و زمان را با استفاده از تکنولوژی مفاهیم میکرو و ماکرو، فاصله‌گذاری، فاصله زمانی، چرخه زمانی و زمان بندی، و روابط زمانی را به اشتراک می‌گذارد. او فضایی را ایجاد می‌کند تا مخاطب را از حالت منفعل خود خارج و سعی می‌کند تا با درگیر کردن ادراکات حسی، فضا و زمان را به شکل جدیدی ارائه دهد و نحوه برخورد متفاوتی با مسئله زمان به وجود آورد. در نهایت، فضا در آثار پاترسون فراتر از چارچوب ریاضیات برای برقراری ارتباطی ژرف، و تصور ناشناخته‌ها می‌باشد. مقاله حاضر با هدف شناسایی فضا و زمان در آثار چند رسانه‌ای کتی پاترسون با شیوه توصیفی - تحلیلی و به کمک اسناد و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. در این راستا از چارچوب مفهومی و روش‌شناسی ملهم از رویکرد گوتفرد بوهم و تی جی لسینگ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد پاترسون، درک جدیدی از زمان برای مخاطب ارائه می‌دهد تا بتواند خوانش‌های متوالی و هم‌زمانی را داشته باشد. مخاطب در درک فضا و زمان آثار چند رسانه‌ای پاترسون، نقشی فعال داشته و خود تعیین‌کننده مدت زمان دریافت آثار است.

واژه‌های کلیدی

زمان، چیدمان چند رسانه‌ای، هنر چند رسانه‌ای، کتی پاترسون.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان: "تبیین ماهیت فضا و زمان در هنر چند رسانه‌ای برای تعامل مخاطب و هنرمند" است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشکده هنر دانشگاه شاهد انجام پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۳۷۰۲۶۰۱۳، نمابر: ۰۲۱-۵۱۲۱۲۵۰۰، E-mail: mokhtari_razieh@yahoo.com

مقدمه

و چیزی است که همه هنرمندان باید به آن پردازند (اوکوپرک و دیگران، ۱۳۹۳، ۲۵۹). فضا در حوزه‌ای گسترش یافته و در عین حال فراگیرنده است. مفهوم فضا در هنر چندرسانه‌ای، معمولاً با معنی درک مکان، زمان و اشیا و ارتباط آنها با توجه به فاصله‌ها و ابعاد، اجزا و عناصر بصری سازنده یک اثر، معنا پیدا می‌کند. بنابراین وقتی از فضای یک اثر سخن به میان می‌آید، تأثیرات کلی اثر در همه ابعاد مادی و محتوایی آن مورد نظر می‌باشد.

مفهوم بُعدی که این پژوهش با آن روبرو است، مفهوم زمان است. زمان، بُعدی است که در آن اتفاقات از گذشته تا به حال و از حال تا آینده رخ می‌دهند (فرهنگ لغت وبستر). زمان، مفهومی ذهنی است، چیزی که ذهن ما کشف کرده است و برای مشخص کردن زنجیره تحولات و تغییرات، آن را به کار می‌برد. از این رو زمان، مفهومی انتزاعی است که درک و سنجش آن بر اساس انواع نگره‌های فلسفی متفاوت است. در واقع مفهوم زمان بنا بر ماهیت خود، دارای پیچیدگی‌ها و ابهاماتی است که تا حدودی از سیالیت آن ناشی می‌شود و از روزگار یونان باستان تا کنون، ذهن فلاسفه را درگیر خود کرده است. در اینجا مراد از زمان، همان تعریف خطی آن است که برای زمان مبدا و مقصد قائل است.

در این راستا دو پرسش اساسی مطرح می‌شود:

۱. فضا و زمان در آثار چندرسانه‌ای کتی پاترسون چگونه به نمایش درآمده است؟

۲. نقش ادراک حسی در درک فضا و زمان آثار چندرسانه‌ای پاترسون چگونه است؟

این مقاله مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع مکتوب و دیجیتال است. برای گردآوری نمونه‌های هنری، از اینترنت استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی و با استفاده از تطبیق شاخص‌ها و تنظیم جداول تطبیقی است.

ظهور نظریه‌های جدید علمی مانند نظریه نسبیت انیشتین، متفکران علوم انسانی و ادبی و همچنین هنرمندان را به این فکر انداخته است که از مفاهیم شلب و تغییرناپذیر، گامی فراتر بگذارند و با این نسبیت همگام شوند. برخی از هنرمندان حیثه هنر چندرسانه‌ای از جمله کتی پاترسون، به خوبی توانسته‌اند مفاهیمی چون فضا و زمان را در هنرشان انعکاس دهند. هنر چندرسانه‌ای به تعبیر ادوارد لوسی اسمیت، «اصطلاحی است در هنر شده بیستم که برای هر ترکیبی از رسانه‌های دیجیتال، تصاویر، گرافیک، صدا، ویدئو، انیمیشن و متون نوشتاری مورد استفاده قرار می‌گیرد» (Lu - cie Smith, 2004, 231). به طور کلی هنر چندرسانه‌ای را می‌توان به هنرهایی مبتنی بر رسانه‌های دیجیتال و هنرهایی مبتنی بر رسانه‌های غیردیجیتال تفکیک کرد. در میان گرایش‌های هنر چندرسانه‌ای، «رسانه چیدمان، در ارتباط با انواع دیگر هنر، فرآیند خلاقانه را فراسوی استودیوها و در فضای جامعه وسعت بخشید» (راش، ۱۳۸۹، ۱۳۸). چیدمان در هنر چندرسانه‌ای، «به شیوه‌ای متفاوت فضا را به چالش می‌کشد و هر چند از مکان‌های خاص ریشه می‌گرفت، اما غالباً در یک مکان خاص مهار نمی‌شد تا جایی که حجم بسیاری از آثار هنری این چنینی، با این نیت طراحی شدند که دیدن آن در جای اصلی ضرورت نداشته باشد» (Carroll, 2007, 137). این ژانر هنری، با تلاش هنرمندان پسامینی مالیسم مبنی بر خروج از گالری و غیرقابل تملک کردن هنر، در اشکال متنوعی پدید آمد. «چیدمان جهان هنر را درنوردید، زیرا اساس آن مبتنی بر طیفی از رسانه‌هاست که بر نفی تمرکز بر شیء و معنا کردن زمینه توافق دارد» (سوری، ۱۳۹۲، ۱۳).

در هنرهای بصری، بعضی‌ها فضا را یکی از عناصر دو بُعدی قلمداد می‌کنند، در حالی که دیگران آن را فراورده عناصر می‌شناسند. اما صرف نظر از نوع طبقه‌بندی، فضا در همه آثار هنری حس می‌شود

پیشینه پژوهش

بر رسانه‌های جدید دیجیتال «نمونه ۰۱» اثر نادعلیان و «ترافیک احساسی» اثر بنیون، به وجوه اشتراک، افتراق و نیز چگونگی استفاده از ویژگی‌های تعاملی رسانه اینترنت می‌پردازد و در نهایت نشان می‌دهد که پیوستار زمانی - مکانی در هر دو اثر، با حفظ روابط همان زمان - همان مکان، زمان دیگر - همان مکان، همان زمان - مکان دیگر و زمان دیگر - مکان دیگر، منطبق با نظر باختین می‌باشند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم فضا در تئوری هنر و آثار هنری از گذشته مورد بحث بوده، اما مسأله زمان، جایگاه کمتری داشته و در عصر حاضر و به طور

با توجه به بررسی‌های انجام شده؛ تاکنون به طور خاص، زمان در هنرهای چندرسانه‌ای مورد پژوهش قرار نگرفته است، اما از پژوهش‌های هم‌راستا می‌توان به مقاله «نشانه‌شناسی زمان و گذر آن در عکس‌های یادگاری» (۱۳۹۲) نوشته افسانه کامران اشاره نمود که نتیجه حاصل از به کارگیری الگوی تحلیل رمزگان و استعاره بیانگر آن است که زمان در عکس‌های یادگاری، همواره میان گذشته، حال و آینده در گذر است؛ به عبارتی دیگر «گذر زمان» در عکس‌های یادگاری، گذری دورانی است که از گذشته به حال یا آینده و بازگشت مجدد آن به گذشته در رفت و آمد است. مقاله «پیوستار زمانی - مکانی باختین در هنر تعاملی جدید» (۱۳۹۰) نوشته گیتی مصباح و زهرار هرنیا نیز با بررسی تطبیقی دو نمونه از هنر تعامل‌گرای مبتنی

طبقه‌بندی منفکی مانند تاریخ هنر و تئوری هنر نیستند. زمان، باید در تصویر هنری به عنوان «مفهوم معنی‌دار و بازتابنده» ساخته شود، زیرا ماهیت زمانی آثار هنری با توجه به تحولات شرایط فرهنگی و تاریخی تغییر می‌کند.

بوهم، تمایزی مفید که می‌تواند به عنوان همبستگی زمانی و تمایز فضایی بین فضای کاری و بیننده در نظر گرفته شود را مطرح می‌سازد. از طرفی چیزی است که بوهم آن را «زمان نشان داده شده»^۱ می‌نامد به عنوان ذات ساختاری زمانی در اصل تصویر فهمیده می‌شود و زمانی است که تصاویر به نمایش درمی‌آید. در ادامه این پژوهش از این بُعد زمانی به عنوان «زمان نمایش» یاد خواهد شد. از طرف دیگر بر طبق نظر بوهم «زمان تولید»^۲ وجود دارد که به عنوان زمانی مرتبط با تجربه بیننده و رمزگشایی تصویر درک می‌شود؛ این زمان، «زمان دریافت» نامیده می‌شود (جدول ۱). بنابراین «زمان دریافت»، بُعدی از تجربه است. این بُعد زمانی به شکل ساختار فیزیکی و ترکیبی اثر به همان روش «زمان نشان داده شده»، ساخته می‌شود. اما ساختار اثر در عین حال در تشکیلات خودش بسیار مهم است. مانند آنچه مجسمه‌های مینیمالیستی نشان داده‌اند. آنچه که می‌تواند از لحاظ تحلیلی به سهولت تفکیک شود، در عمل به سختی از هم جدا می‌شود. بنابراین بوهم بر این نکته تأکید می‌کند که «زمان نمایش» و «زمان دریافت» در طول فرآیند تجربی با هم ادغام می‌شوند، به طوری که دیگر به روشنی مشخص نشوند. آنها این کار را انجام می‌دهند، زیرا عمل بررسی اثر هنری، یک خلق فرآیند خلاق و تفسیری است که بیننده، تجربه خود را به کار می‌بندد. شاید به منظور برجسته‌کردن این لحظات خلاقانه است که بوهم عنوان «زمان تولید» را انتخاب کرده است که به عنوان زمانی که کسی (بیننده) چیزی (تجربه اثر) را تولید می‌کند، فهمیده می‌شود. هر چند بوهم تئوری‌های خود را در ارتباط با نقاشی در تصاویر هنری بسط می‌دهد، اما بسیاری از اندیشه‌هایش نیز برای هنر معاصر سه‌بعدی و حتی چندرسانه‌ای معتبر است.

تحلیل فضا و زمان در آثار چند رسانه‌ای کتی پاترسون

کتی پاترسون^۱، به عنوان یکی از هنرمندان چندرسانه‌ای در مجموعه UMFA هنر معاصر سالت لیک سیتی^۲ آثارش را به نمایش گذاشته است (تصویر ۱). هر چند که برخی از این آثار به

تخصصی از دوران شکل‌گیری چیدمان، موضوعیت محوری پیدا نمود. هر چند نمی‌توان این دو مقوله را از یکدیگر تفکیک نمود. در این پژوهش از نظریه «همزمانی و زمان متوالی» جی ای لسینگ^۱ و نظریه «زمان نمایش و زمان دریافت» گوتفرد بوهم استفاده شده است. گوتفرد بوهم^۲ در مقاله «تصویر و زمان»^۳ صریحاً می‌نویسد: «تحلیل زمان و تعیین زمان، کاملاً از اصول تئوری هنر و تاریخ هنر غایب بوده است» (Boehm, 1987, 22). مبانی نظری این پژوهش را مفاهیم و اصول زیر تشکیل می‌دهد.

هم‌زمانی و زمان توالی

در سال ۱۷۶۶، منتقد ادبی آلمانی جی ای لسینگ، در مقایسه مشهور خود بین نقاشی و شعر در «لائوکون»^۴ (لائوکون یا محدودیت‌های شعر و نقاشی)، معیاری برای مباحث دوران مدرن وضع کرد (McClain, 2009, 9). لسینگ در لائوکون معتقد است که نقاشی و شعر برای ترسیم موضوعات‌شان، از روش‌های اساساً متفاوتی استفاده می‌کنند. هنگامی که لسینگ «زمان» را به عنوان یک عامل در هنر دو بُعدی قلمداد می‌کند، در نهایت او یک دو قطبی سازی بین فضا و زمان را ایجاد می‌کند. لسینگ از این دو قطبی سازی برای شناسایی دو بیان متمایز زیبایی‌شناسانه استفاده می‌کند، «هم‌زمانی»^۵ یا «هم‌رخدادی»^۶ از یک سو و از سویی دیگر «زمان متوالی»^۷ یا «زمان پیش‌رونده»^۸. لسینگ بر این باور بود که نقاشی یک شکل هنری است که با انجماد مرتبط است و لحظه‌ای مهم با ترکیب اشکال را نشان می‌دهد که در یک آن فهمیده شود. بنابراین از نظر لسینگ، نقاشی در اصل شکلی از هنر فضایی است که از طریق «هم‌زمانی» مشخص می‌شود. در حالی که شعر در زمان شکل می‌پذیرد و از طریق «زمان پیش‌رونده» یا به عبارتی از طریق «زمان متوالی» مشخص می‌شود. بدین معنا که مخاطب نقاشی را در یک لحظه و آن، به طور هم‌زمان، و شعر را در یک مدت زمان به صورت متوالی درک می‌کند.

زمان نمایش و زمان دریافت

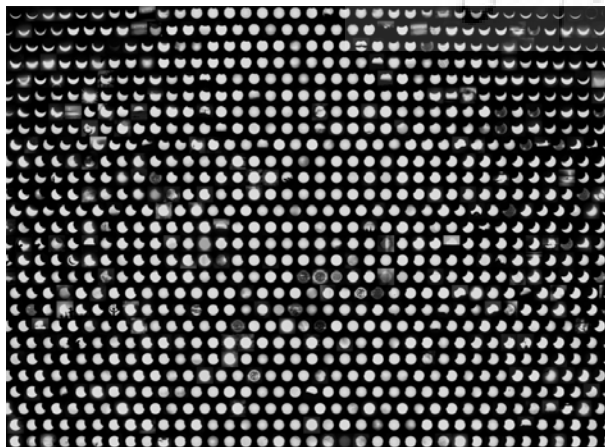
گوتفرد بوهم رابطه بین ابعاد زمانی شامل زمان نمایش، زمان دریافت و تجربه ذهنی زمان را در مقاله «تصویر و زمان» بیان می‌کند. در این مقاله، بوهم مطرح می‌کند که تصویر و زمان، دو جدول ۱- ابعاد زمان اثر هنری بر طبق گوتفرد بوهم.

زمان نمایش	زمان دریافت
زمان خود اثر	زمان بیننده
بازنمایی زمان	تجربه زمان
زمانی که ترکیب بندی اثر به نمایش در می‌آید، زمان را در یک سطح کاملاً ترکیبی نشان می‌دهد و به سازماندهی تجربه ی بیننده از زمان در اثر کمک می‌کند	زمانی که کسی (بیننده) چیزی (تجربه اثر) را تولید می‌کند

می‌رسد. از زیبایی‌شناسی نسبتاً آشنا و زبان‌های قابل دسترس تکنولوژی‌های مدرن و قدیمی، مانند امواج رادیویی، شمع، پیانو و توپ‌های دیسکو را برای ترجمان چیزهای به ظاهر غیرقابل درک با مفاهیم مرتبط می‌سازد.

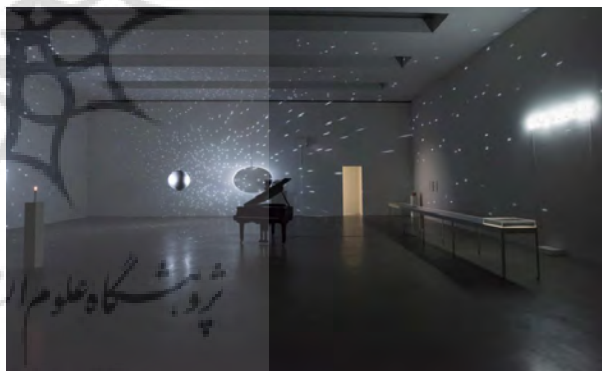
محور اصلی نمایشگاه «نمک ۱۳»^{۱۳}، «تمامیت»^{۱۴} (۲۰۱۶) است. «تمامیت» پاترسون، یک توپ بزرگ قابل چرخش با قطر ۸۵ سانتیمتر است که در حدود ۱۰۰۰۰ تصویر از کسوف و خسوف‌های تاریخی بر روی آینه‌های کوچک مربع شکل چاپ شده‌اند. این تصاویر که توسط بشر در مکان‌های مختلف سراسر این سیاره ثبت شده است، «اولین بازنمایی، یک نقاشی از خورشید گرفتگی ۲۴ ژوئن ۱۷۷۸ است، اما اکثر تصاویر عکاسی هستند که از عکاسی‌های اوایل قرن نوزدهم تا پیشرفته‌ترین تصاویر تلسکوپی امروزی را در برمی‌گیرد» (www.katiepaterson.org). «تمامیت»، هم‌تراز با سطح چشم در مرکز این گالری تاریک قرار گرفته است. دو پرتو نور از طرف مقابل اتاق به این شی چرخان شبه سیاره می‌تابد که کیهانشانی از خورشید گرفتگی‌ها را در طول زمان و فضا، در سراسر اتاق و بازدیدکنندگان آن فرو می‌افکند. اگرچه دانش کسوف و خسوف‌ها برای قرن‌ها به خوبی شناخته شده است، آنها می‌توانند همچنان نمادهای قدرتمندی از امر والا^{۱۵} باشند. اثر پاترسون، اغلب فراخوانی ارجاعی به امر والا، قبل از عظمت غیرقابل درک جهان است که هم‌زمان نیروهای اعجاب‌آور تکنولوژی در اثر اذعان می‌کنند که برخی از جنبه‌ها تقریباً به نظر ضد امر والا هستند. اگر چه در حوزه‌های قابل توجهی، آثار پاترسون می‌توانند کمتر بصری و آشنا باشند، این شیوه‌ای است که او برای رسیدن به فضا و زمان، برای ارتباط مقیاس‌های انسانی و کیهانی، استفاده می‌کند.

پاترسون با فرستادن بیننده به صدها سال پیش، از طریق تاریخ بشر یا میلیون‌ها مایل از طریق فضا، ارتباط ما با جهان را برجسته می‌کند. در اثر «تمامیت» مخاطب تصاویری از میلیون‌ها سال پیش را در چشمان خود حاضر می‌بیند و هم‌زمان با دو زمان روبرو می‌شود: گذشته و حال. دریافت زمان مخاطب، زمان حالی است که در گذشته ریشه دارد؛ تصاویری از خسوف و کسوف‌های تاریخی.



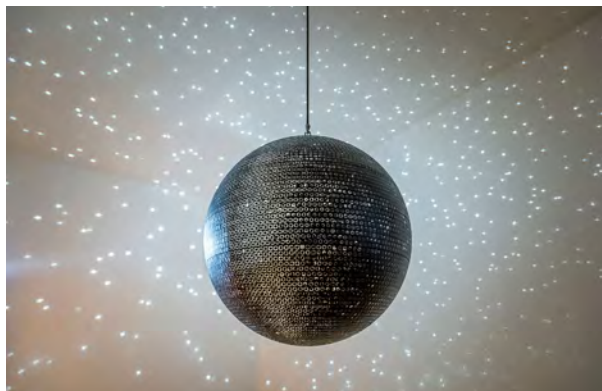
تصویر ۳- بخشی از اثر تمامیت، کتی پاترسون، عکس‌های کسوف و خسوف. منبع تصویر: (https://www.pinterest.com/pin/185984659591795264/)

ندرت تک‌رسانه‌ای و اکثراً به صورت چندرسانه‌ای ممکن است در سال‌های گوناگونی تکمیل شده باشند، ولی چیدمان این آثار در این مرکز گالری، خواه ناخواه آن را به یک مجموعه چندرسانه‌ای بدل کرده است. آثار چندرسانه‌ای این هنرمند تجسمی، ترجمان فاصله و مقیاس به زبان هنری است. پاترسون احساس واقعیت ما را فراتر از آن چه کاملاً قابل مشاهده است، می‌برد. آثار هنری او غالباً فضا و زمان را با استفاده از تکنولوژی برای به اشتراک گذاشتن مفاهیم عادی و کیهانی کشف می‌کنند. کار او با مفاهیم میکرو و ماکرو، فاصله‌گذاری، فاصله زمانی، چرخه زمانی و زمان بندی، و روابط بین زمان زمین‌شناسی و زمان انسانی، مرتبط است. پروژه‌های پاترسون، با همکاری دانشمندان و محققان در سراسر جهان، جایگاه انسان در زمین و در شرایط زمانی و تغییرات زمین‌شناسی را بررسی می‌کنند. آثار هنری او، از تکنولوژی‌های پیچیده و تخصص متخ صصین، برای ایجاد تعاملات صمیمی، شاعرانه و فلسفی بین مردم و محیط طبیعی خود استفاده می‌کند. ترکیب حساسیت رمانتیک با یک رویکرد مبتنی بر تحقیق، تضاد مفهومی و پست مینیمالیستی آثار او، فاصله بین بیننده و دورترین دوره‌های زمان و کیهان را از بین می‌برد. اگرچه آثار پاترسون شامل همکاری عمیق با بیوشیمی، مهندسان، و اخترفیزیکدانان است، اما در نهایت فراتر از چارچوب ریاضیات و زبان برای توصیف نادیدنی‌ها، برای برقراری ارتباطی ژرف، و تصور ناشناخته‌ها به نظر



تصویر ۱- کتی پاترسون، نمک ۱۳، موزه هنرهای زیبا یوتا، سانت کیک سیتی، ایالت متحده آمریکا، ۲۰۱۶.

مأخذ: (http://www.jameschohan.com/artists/katie-paterson)



تصویر ۲- تمامیت، کتی پاترسون، ۲۰۱۶، متشکل از عکس، آینه، توپ. مأخذ: (http://katiepaterson.org/portfolio/totality/)

شبکه^{۱۸}ی روش مند «تمامیت» به شیوه‌های هنری مینیمالیستی و مفهومی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ نیز شکل گرفت، گره خورده است (تصویر ۳). هنرمندانی مانند هولت، از شبکه به ویژه در عکاسی استفاده می‌کنند تا تکرار فرم‌ها یا گذر زمان متوالی را با به تصویر کشیدن ایده و با توجه به قوانین سیستماتیک نشان دهند. «تمامیت» در یک فرم فشرده و قابل هضم منظم بودن، یک رویداد کیهانی را بیان می‌کند. آن را در طول موجی فراتر از زبان‌های تجربی ارتباط می‌دهد که موجب شناخت دیگری می‌شود؛ از طریق بدن و حواس آن. «تمامیت»، بر کل فضای گالری غلبه می‌کند و اتاق و تماشاگر را در یک چرخش مدورگونه از رویدادهای آسمانی که صدها سال است دچار سقوط و اضمحلال شده‌اند، احاطه می‌کند. هرچند که جنجال فیزیکی چندانی بین مخاطب و اثر چندرسانه‌ای نیست، اما در بیننده ایجاد حالت شگفتی می‌کند.

کتی پاترسون حتی با اجرام سماوی موسیقی می‌سازد و از این اجرام به عنوان رسانه‌ای جدید در هنر خود استفاده می‌کند. «ماه- زمین- ماه»^{۱۹} نمایشی از سونات مهتاب بنهون است که به وسیله ماه وجود می‌آید (تصویر ۵). پاترسون، سونات بنهون را به کد موریس تبدیل کرده و از طریق ماهواره‌ای، ام. ای. آن^{۲۰}.

با چرخاندن کره توسط مخاطب، تصاویر جدیدی بر فضای گالری ایجاد می‌شود که همزمان با حرکت مخاطب در زمان حال شکل می‌گیرد. بدین ترتیب پاترسون از یک طرف با دست‌کاری کردن زمان، فهم جدیدی را برای مخاطب ایجاد می‌کند و از طرف دیگر او را به فعالیت و می‌دارد که دور اثر بچرخد و توپ را لمس کند و بچرخاند و تصاویر جدیدی را در فضای گالری انعکاس دهد. بیننده می‌تواند به تصاویر دقیق شود و انعکاس آنها را ببیند و زمان دریافت اثر را خودش تعیین کند.

پاترسون برای اولین باری که محل خود در جهان شناخته شده را به یاد می‌آورد، می‌گوید: در حالی که زمان طولانی در ایسلند صرف می‌کردم، «قرار داشتم در تمام این حوادث باور نکردنی طبیعی مانند یخچال‌های طبیعی و آب فشان انفجار و آتشفشان، جایی که زمین گرم است و حرکت می‌کند، ناگهان حس کردم که اینجا هستم، ایستاده در سیاره، و آن را در اطراف ستاره دیگر چرخانده است» (Luke, 2012, 24). این چشم‌انداز القا شده، «لحظه آهان» (همان)، شبیه تجربه هنرمندان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در گستره وسیعی از غرب آمریکا بود. نانسی هولت^{۱۶} در سال ۱۹۷۷، چشم‌انداز بیابان یوتا را توصیف کرد که وی یک سال قبل، اثر «تونل‌های خورشیدی»^{۱۷} را در آنجا قرار داده است. «راه رفتن بر روی زمینی که مطمئناً هرگز در گذشته کسی راه نرفته است، مفهوم موجود بودن در این سیاره را برمی‌انگیزد: چرخش در فضا، در زمان جهانی» (Holt, 1983, 106).

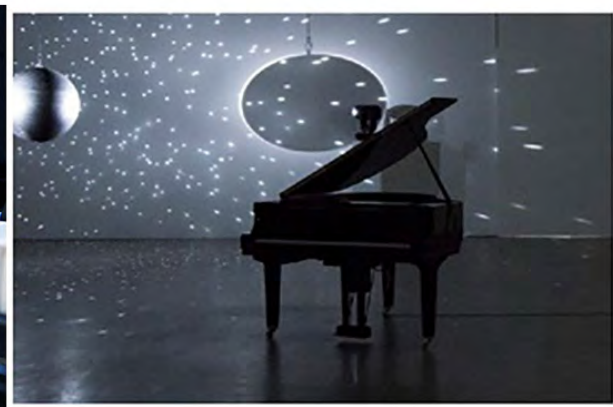
تصویر ۳- نمایشی از سونات مهتاب بنهون است که به وسیله ماه وجود می‌آید (تصویر ۵). پاترسون، سونات بنهون را به کد موریس تبدیل کرده و از طریق ماهواره‌ای، ام. ای. آن^{۲۰}.

تصویر ۴- جزئیات اثر تمامیت، کتی پاترسون.



تصویر ۶- ماه- زمین- ماه، کتی پاترسون، تبدیل سونات مهتاب به کد موریس. مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

تصویر ۴- جزئیات اثر تمامیت، کتی پاترسون. مأخذ: (<https://www.pinterest.com/pin/57491332722583441>)



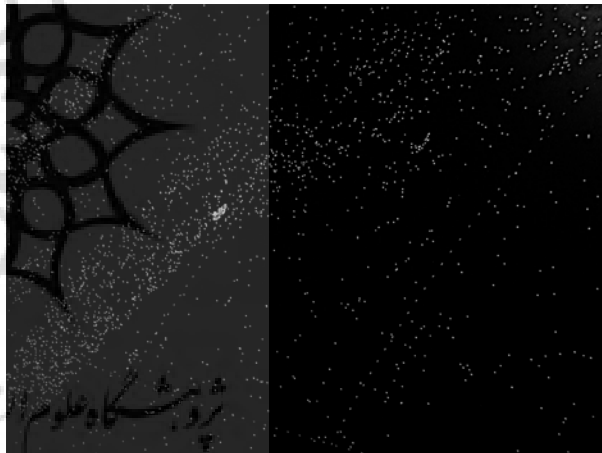
تصویر ۵- ماه- زمین- ماه، کتی پاترسون، پیانو خودکار، ۲۰۱۶. مأخذ: (<http://www.jamescohan.com/artists/katie-paterson?view=slider>)

درک می‌کند. با این حال، تکرار قطعه، حس تأملی دریافت‌کننده را برمی‌انگیزاند تا حس کند که برخی از نتها جا افتاده‌اند.

در قلب آثار پاترسون، بررسی رابطه انسان با جهان، از لحاظ زمان و فضا است. یکی از قطعه‌های دیگر پاترسون شامل نقشه‌برداری از همه‌ستاره‌های مرده است که حدود ۲۷۰۰۰ ستاره است. «تمام ستارگان مرده»^۳، نقشه‌ای از ستارگانی است که توسط انسان ثبت و مشاهده شده‌اند. پاترسون، نسبی بودن فضا و زمان را از طریق آثار چندرسانه‌ای خود به نمایش می‌گذارد. درخشش ستارگانی که ما امروز می‌بینیم، انفجارهایی است که شاید میلیون‌ها سال پیش رخ داده و بیننده از طریق این آثار، به فضا و زمان دیگری ارجاع داده می‌شود (تصویر ۷).

قطعه دیگر پاترسون، دوباره با نام «زمین-ماه-زمین» (۴,۳۳) ثانیه سکوت) (۲۰۰۸)، مجدداً ماه را به عنوان رسانه هنری نشانه می‌گیرد. پاترسون از ناگانو کن^{۲۲}، ژاپن، با استفاده از انتقال ماهواره‌ای ام ای ۴ دقیقه و ۳۳ ثانیه سکوت از زمین را به ماه انتقال داد که پس از مسافت حدود ۵۰۰۰۰۰ مایل، تنها ۲,۵ ثانیه بعد بازگشت. پاترسون با عاریت گرفتن از اثر جان کیچ و برخلاف او با حذف کردن نقش آفرینی مخاطبان در قطعه موسیقیایی، تنها نمایشی از دست‌کاری زمان به وسیله ماه ارائه می‌دهد (تصویر ۸). ایده دیگر پاترسون در این مجموعه که ادراک حسی مخاطب را با مسائل کیهانی درگیر می‌کند، اثر «شمع» (از زمین به سیاه چاله)^{۲۳} (۲۰۱۵) است که می‌تواند در یک رویداد یک روزه تجربه شود. «بو و صدای فضا» از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۰ بعدازظهر شنبه، ۱۷ فوریه (تصویر ۹). این اثر، که به نظر می‌رسد شمع سفید متعارفی باشد، در ۱۰۰ نسخه در فرآیندی وقت‌گیر ساخته شده که با ظاهر ساده آن در تضاد است. شمع در طول دوازده ساعت سوخته می‌شود و با عطر آن، سفری از طریق فضا آغاز می‌شود: هر لایه شمع حاوی

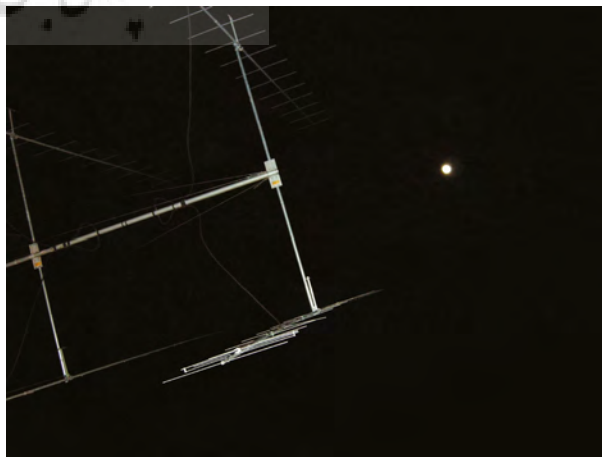
رابطه سطح ماه ارسال کرد و سپس آن را به فضای این گالری و این بیان منعکس می‌کند. اگر مخاطب به درستی به این قطعه گوش دهد، متوجه خواهد شد که تعدادی از نتها جا افتاده است و علت فقدان این نتها این است که آنها در دره‌ها، شکاف‌ها، دهانه‌ها و سایه‌های سطح ماه از بین می‌رود. از بسیاری جهات، این سونات مهتابی است که توسط خود ماه بازسازی شده است و پاترسون از ماه به عنوان رسانه‌ای نوین در اثر چندرسانه‌ای خود استفاده کرده است. در بازگشت به زمین، شکاف در نت‌های موسیقی، آن را به یک قطعه جدید موسیقی تبدیل می‌کند که در نمایشگاه توسط یک پیانو خودکار پخش می‌شود. دو نسخه چاپی در فضای گالری، کد مورس به عنوان ارسال‌کننده و دریافت‌کننده از زمین را نشان می‌دهد (تصویر ۶). «کتی پاترسون مانند یک متفکر روشنفکر عمل می‌کند که هر دو تخصص علمی و شگفتی‌های رمانتیک هنری که انواع رسانه‌ها و رشته‌ها را شامل می‌شود، به جای رد کردن گروهی از رسانه‌ها، همه آنها را بکار می‌گیرد» (Paterson, 2008, 24). او حتی گوش مخاطب را در دیدن آثار به حرکت وامی‌دارد و آنها را از حالت منفعل خارج می‌کند. در اینجا فاصله نمایش اثر با دریافت اثر همزمان است و به محض پخش قطعه، مخاطب آن را می‌شنود و



تصویر ۷- تمام ستارگان مرده، کتی پاترسون.
مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)



تصویر ۹- شمع (از زمین به سیاه چاله).
مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)



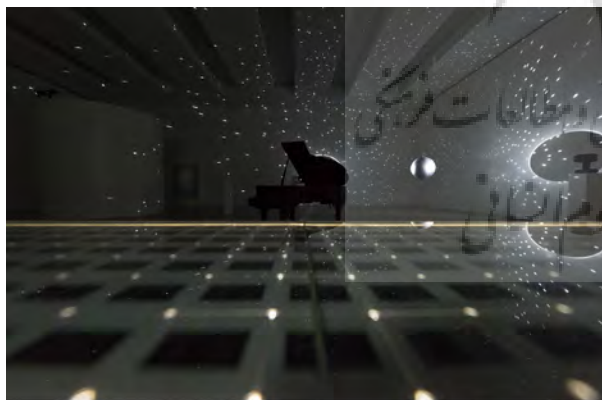
تصویر ۸- زمین-ماه-زمین " (۴,۳۳) ثانیه سکوت).
مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

شده است که فاصله آنها در سال‌های نوری از زمین مشخص شده است که در نهایت می‌تواند شامل صدها هزار عکس از تاریکی‌ها باشد. پشت هر اسلاید، شامل اطلاعات دست‌نوشته‌ای از فاصله دورترین نقاط از زمین در فاصله سال‌های نوری را نشان می‌دهد. از نظر پاترسون، این فضاهای خالی الان می‌توانند پراز زندگی و سیارات دیگر باشند. این نکته قابل توجه است که در یک اسلاید کوچک، تصویری از فاصله ۴,۲۳۹,۱۰۸,۸۲۰ سال نوری وجود دارد که زمان نمایش آنها در یک لحظه در زمان جاری ارائه شده است. تعمق در اشارات این اعداد، به طور تکان‌دهنده‌ای ذهن را به فواصل و درازنای فضاهای موجود کیهانی، معطوف می‌سازد. پاترسون، مفهومی از زمان‌های نجومی را در اسلاید کوچکی به مخاطب ارائه می‌دهد. اسلایدها در عین حال مفهوم غریب و شاید خنده‌داری را ارائه می‌دهند: بیننده دعوت شده که آنها را از جعبه بیرون بیاورد و آنها را به نور بسپارد. هرچند نمونه‌هایی از نقاط غیرقابل درک بسیار دور و باستانی در جهان را نشان می‌دهند، همه آنها دقیقاً یکسان هستند. از طرفی زمان دریافت این آثار، کاملاً به مخاطب وابسته است. او می‌بایست آنها را از جعبه بیرون بیاورد و پشت هر اسلاید را بخواند و سراغ تصویر بعدی برود. اثر دیگر که در فضای گالری آویزان شده است، با عنوان «صدای» (ونتاجکال^{۲۵}) (۲۰۰۷-۲۰۰۸)، یک علامت نئون سفید از شماره یک خط تلفن زنده به شماره ۰۷۷۵۷۰۰۱۱۲۲ برای یخچال ایسلندی را نشان می‌دهد که این خط از طریق یک میکروفون به زیرآب دریاچه جوکالسارلون^{۲۶} در ونتاجکال که پراز یخ است و تقویت شده، وصل می‌شود. جایی که بزرگ‌ترین کوه یخ زمین قرار دارد و یخ‌هایی که تحت فشار تغییرات آب و هوایی ذوب می‌شوند. این شماره را می‌توان با هر تلفن دیگری در جهان تماس

عطر منحصر به فردی است که به بیوشیمی واقعی و پیش‌بینی‌های صورت پذیرفته از مکان‌های مختلف سراسر جهان مربوط می‌شود. مخاطب در این وضعیت به نظر می‌رسد که از زمین برداشته و به ماه، خورشید، مریخ، مشتری و از طریق ستاره‌ها به یک خلاء و سیاه چاله حرکت می‌کند.

پاترسون هر لایه شمع را با استفاده از یک ماده شیمیایی زیستی دارای عطر و بو، برای بوی یک ستاره یا سیاره‌ای متفاوت بر اساس توصیف فضاوردان، تجزیه و تحلیل لباس آنها یا حدس‌های علمی ساخته است. پاترسون توضیح می‌دهد: «شمع سوزانده می‌شود، و شما سفری از طریق فضای بیرونی را آغاز می‌کنید.» این سفراز روی زمین، که با بوی جنگل است شروع می‌شود، و سپس به ابرها و تروپوسفرهایی که بویی مانند زیرزمین مرطوب یا حوله خیس خورده و مرطوب دارد، ظاهر می‌شود. این جایی است که برخی از داستان‌ها از توصیف‌های مردمی شکل گرفته، این ترکیبی از واقعیت و تصور است. عطرهای مختلف مواد معدنی و مواد غذایی از شمع که در طی ۱۲ ساعت در فضای گالری ذوب می‌شوند. این سفراز بیرون زمین به سوی ماه، خورشید، مریخ و مشتری، و از طریق دیگر ستاره‌ها را شکل می‌دهد و نهایتاً به آخرین مرحله سفر حرکت می‌کند (تصویر ۱۰)؛ به جایی که هیچ بویی نمی‌توان برای آن متصور شد: به سیاه‌چاله. بدین ترتیب پاترسون، حس بویایی مخاطب را در درک حسی فضا و زمان درگیر می‌کند (جدول ۲).

پاترسون حتی یک شهاب سنگ چهار و نیم میلیارد ساله را قبل از ارسال دوباره به فضا، ذوب و دوباره قالب‌گیری کرد. همچنین از تاریک‌ترین نقاط دنیا عکاسی کرد. «تاریخچه تاریکی»^{۲۴} (۲۰۱۰)، یک مجموعه بایگانی از اسلایدهایی^{۲۵} میلیمتری (هر کدام شماره‌گذاری

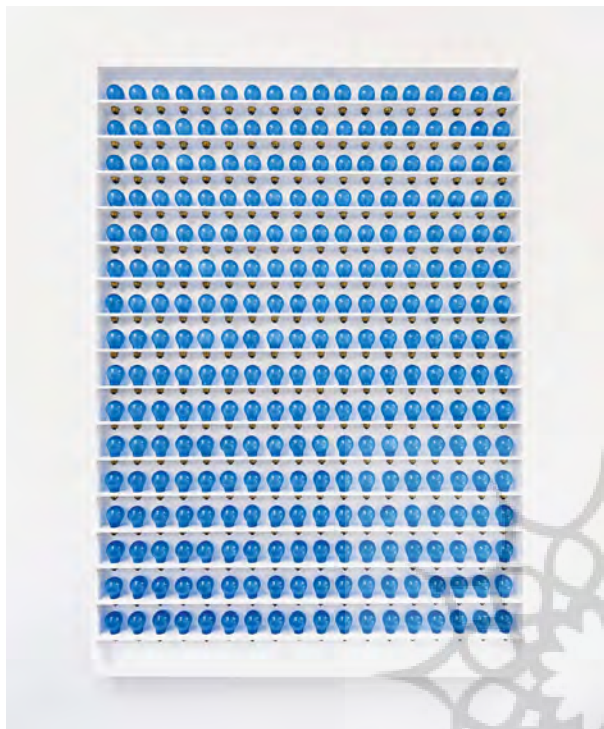


تصویر ۱۱- تاریخچه تاریکی، کتی پاترسون. مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

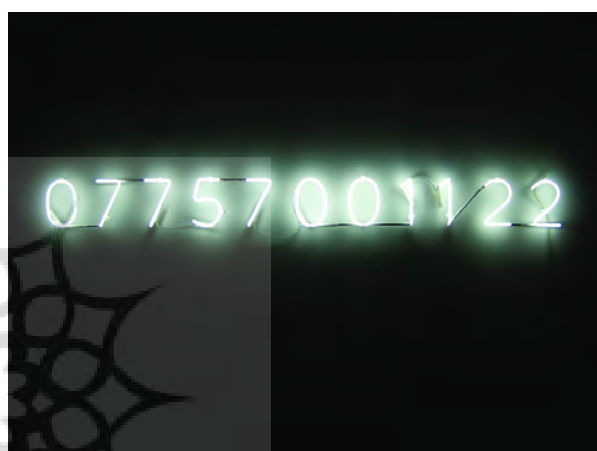
Earth	Force
Clouds and Troposphere	Water, humidity, wet basement, washed towels
Earth's Atmosphere	Carbon dioxide, sparkling freshwater, a freshly opened can of soda water
Stratosphere	Geraniums
Ozone	The smell often following a bolt of lightning; the clean smell after a thunder storm
Mesosphere	Burning electrical equipment or wires, electrical motors and sparking brushes
Moon	Tan, the scent of two flat rocks struck against each other sparking smoky
Venus	A just fired Carbon rifle, spent gaspods, burnt gaspods
Sun	Burnt almond cookie
Mars	Sulphuric acid, and false sulfur dioxide
Asteroid Belt	An atmospheric smell, like walking into a room when the rain has been pouring in, a sun kissed feel
Jupiter	Walking fumes, hot metal, metallic. An walking torch repairing heavy equipment, Wicking a motorcycle
Saturn's Rings	Salty, magnesium thalottic beads - silica and iron based igneous rocks, Epsom salts
Uran, Saturn's Moons	An old penny
Old Stars	Bitumen, charcoal
Interstellar Clouds	Ammonia
Outer Space	Ice, rocky material, mortar pavement or cement, earthy
Dying Star	Sweet and bitter almonds, heavy, with slight benzene
Black Hole	Pineal
	Mothballs
	Raspberries and rasp, Smelling slightly like alcohol that is sweet and in crude form, walls of sweet sugar
	Burned or fried steak, barbecue, charcoal grill. Hot metal, dwarf fumes and barbecue
	Odorous

تصویر ۱۰- بوی لایه‌های شمع (از زمین به سیاه چاله). مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

۲۸۹ لامپ می باشد که براساس میانگین عمر یک انسان (۶۶ سال) طراحی شده است. تعداد لامپی که برای روشنایی مصارف یک فرد تا آخر عمرش کافی است. بیننده با دریافت ایده این اثر، به مفهوم زمان و رای اثر می نگرند.



گرفت تا شنونده به نتاج کمال متصل شود. این اثر در گالری به عنوان آرشیوی از آن رویداد است. یک شماره تلفن از بازدیدکنندگان دعوت کرده تا به صداهای یخ در حال ذوب بپردازند. در این اثر مخاطب به فضایی خارج از گالری ارجاع داده می شود و می تواند در زمانی که به خط متصل شد، با توجه به میزان فاصله اش تا مقصد، صدای ذوب یخ ها را یا همزمان با یا چند ثانیه تاخیر بشنود. هر چند که این اثر با حس بینایی سروکار دارد، اما به یک رویداد صوتی و یک زمان دیگر که با حس شنوایی قابل ادراک است، ارجاع داده می شود (جدول ۲). «لامپ برای شبیه سازی مهتاب» (۲۰۰۸)، اثر دیگر پاترسون است که در چندین نسخه در برخی گالری ها از جمله گالری نمک ۱۳ تولید شده است. تولید یک ماه کامل، همراه با یک کابینت شامل








تصویر ۱۳- لامپ برای شبیه سازی مهتاب، کتی پاترسون.
مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

تصویر ۱۲- صدای، کتی پاترسون.
مأخذ: (<http://katiepaterson.org>)

جدول ۲- چگونگی ادراک حسی در درک فضا و زمان آثار چندرسانه ای کتی پاترسون.

ردیف	تصویر	نام اثر	حس بینایی	حس شنوایی	حس لامسه	حس بویایی	حس چشایی
۱		تمامیت	*	*	*	-	-
۲		زمین-ماه-زمین (سونات مهتاب)	*	*	*	-	-
۳		تمام ستارگان مرده	*	*	-	-	-

ردیف	تصویر	نام اثر	حس بینایی	حس شنوایی	حس لامسه	حس بویایی	حس چشایی
۴		زمین-ماه-زمین (۴,۳۳ ثانیه سکوت)	*	*	-	-	-
۵		شمع (از زمین به سیاه چاله)	*	*	*	*	-
۶		تاریخچه تاریکی	*	*	*	-	-
۷		صدای	*	*	-	-	-
۸		لامپ برای شبیه سازی مهتاب	*	-	-	-	-

نتیجه

زمان را برهم‌زند، در بین آثار راه رود و تعیین کند که چه مدت زمانی را برای درک آثار دریافت کند. همچنین او می‌تواند خوانشی چند وجهی داشته باشد؛ خوانشی هم‌زمان یا خوانشی متوالی و ادراک حسی خود را درگیر کند؛ بدین معنا که به طور پیوسته از نقطه‌ای آثار را دریافت کند و یا با روش‌های متقاطعمانند مکث کردن، حرکت کردن، ایستادن، نگاه اجمالی و یا دقیق خیره شدن، ادراک حسی‌اش را به فعالیت وا دارد. پاترسون از ادراک حسی مخاطب در درک فضا و زمان آثار، نهایت استفاده را می‌برد و به آنها بی‌اعتنا نیست. نتیجه دیگر پژوهش، حاکی از بازتاب نظریات انیشتین از جمله مفاهیم نسبی بودن زمان و سیاه چاله‌ها می‌باشد که پاترسون در آثارش به آنها ارجاع می‌دهد.

آثار چندرسانه‌ای کتی پاترسون، غالباً فضا و زمان را با استفاده از تکنولوژی برای مفاهیم عادی و کیهانی کشف می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند. آثار او با مفاهیم میکرو و ماکرو، فاصله‌گذاری، فاصله زمانی، چرخه زمانی و زمان بندی، و روابط نسبی زمان و زمان انسانی، مرتبط است. پاترسون، درک جدیدی از زمان را برای مخاطب ارائه می‌دهد تا بتواند خوانش‌های متوالی و هم‌زمانی را داشته باشند. در این مقاله بحث شد که طبق دیدگاه گوتفرید بوهم، می‌توان ابعاد زمانی را در چیدمان چندرسانه‌ای تفکیک کرد: زمان نمایش و زمان دریافت. هرچند زمان نمایش در آثار پاترسون در زمان حال شکل می‌گیرد، اما با گذشته پیوندی عمیق دارد. مخاطب می‌تواند خوانش‌های خطی

پی‌نوشت‌ها

سوری، حمید (۱۳۹۲)، نگاهی به چرایی چندرسانه‌ای در هنرمعاصر، هنر و رسانه، شماره ۸، صص ۱۵-۶.

کامران، افسانه (۱۳۹۲)، نشانه‌شناسی زمان و گذر آن در عکس‌های یادگاری، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۲، ت، صص ۱-۱۵.

مصباح، گیتی و رهبرنیا، زهرا (۱۳۹۰)، پیوستار زمانی - مکانی باختین در هنر تعاملی جدید (بررسی تطبیقی دو نمونه فرهنگی)، مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۱۵.

Boehm, Gottfried (1987), Bild und Zeit, in *Das Phänomen Zeit in Kunst und Wissenschaft*, ed. Hannelore Paflik, Weinheim: VCH Verlagsgesellschaft, Acta humaniora, pp. 1-22.

Carroll, Noel (2007), Art and globalization, *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, Vol.65, No. 1, pp. 131-143.

Holt, Nancy (1983), *Quoted in Lippard, Lucy. Overlay: Contemporary Art and the Art of Prehistory*, Pantheon Books, New York.

Lucie Smith, Edward (2004), *Art Terms (Dictionary of Art Terms)*, Thames & Hudson, London.

Luke, Ben (2012), *Katie Paterson quoted in Ben Luke, Katie Paterson: Me and my meteorite*, University Park, Nottingham.

McClain, Jeoraldean (2009), *Time in the visual arts: Lessing and Modern Criticism*, Forlaget politisk revy, Copenhagen.

Paterson, Katie (2008), *Earth-Moon-Earth: Moonlight Sonata Reflected from the Surface of the Moon*, Modern Art Oxford, Scotland.

Ring Petersen, Anne (2015), *Installation Art: Between Image and Stage*, Museum Tusulanum Press University of Copenhagen.

وبگاه سایت رسمی هنرمند، کتی پاترسون: <http://katiepaterson.org> (تاریخ دسترسی 18/11/2017)

<https://www.pinterest.com/pin/185984659591795264/> (تاریخ دسترسی 27/11/2017)

<https://www.pinterest.com/pin/57491332722583441/> (تاریخ دسترسی 28/11/2017)

<https://www.artandeducation.net/announcements/148275/katie-paterson-salt-13> (20/11/2017) (تاریخ دسترسی)

<http://www.jamescohan.com/artists/katie-paterson?view=slider> (25/11/2017) (تاریخ دسترسی)

1 G. E. Lessing [(1781) وفات (1729) تولد].

2 Gottfried Boehm [(1920) متولد].

3 Bild und Zeit.

4 Laokoon.

5 Simultaneity.

6 Synchronicity.

7 Succession Time.

8 Progressive Time.

9 Die Zeit des Darstenen.

10 Die Zeit der Dustellug.

11 Katie Paterson [(1981) متولد].

12 Salt Lake City, Utah.

۱۳ Show Salt پاترسون به عنوان سیزدهمین هنرمندی است که آثارش را در این مرکز به نمایش می‌گذارد.

14 Totality.

15 Sublime.

16 Nancy Holt.

17 Sun Tunnels.

18 Grid.

19 Earth-Moon-Earth.

20 E.M.E.

21 All the Dead Stars.

22 Nagano-Ken.

23 Candle (from Earth into a Black Hole).

24 History of Darkness.

۲۵ Vatnajökull بزرگ‌ترین و جذاب‌ترین کوه یخی جهان که در جنوب شرق ایسلند واقع شده است و بیش از ۸ درصد این کشور جزیره‌ای را پوشش می‌دهد.

26 Jökulsarlón.

فهرست منابع

اوکویک، استینسون و دیگران (۱۳۹۳)، میانی هنر: نظریه و عمل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

راش، مایکل (۱۳۸۹)، رسانه‌های نوین برای قرن ۲۰، ترجمه بیتا روشنی، انتشارات نظر، تهران.